

با سمه تعالی

## مهدویت و انتظار منجی

### اشاره

در این نوشتار به بررسی انتظار منجی در میان ادیان اعم از توحیدی و غیر توحیدی پرداخته و مهدویت را از دیدگاه شیعه و اهل سنت تبیین کرده‌ایم، از آنجا که انتظار منجی در زندگی بشر نقشی کلیدی را ایفا کرده است و می‌تواند بشر را از خمودی و نامیدی نجات دهد از این روی بشر همواره به دنبال منجی بوده است تا بدان وسیله خود را از مشکلات اعم از طبیعی و غیر طبیعی که بوسیله دیگر انسان‌ها و حاکمان ظالم بوجود می‌آمد، نجات دهد، با تشدید مشکلات رویکرد انتظار منجی نیز تشدید می‌شود تا آنجا که انسان‌های شیاد و فرصت‌طلب با سوءاستفاده از این رویکرد به اغوای عوام‌الناس می‌پرداخند.

در این پژوهش بعد از بررسی رویکرد انتظار منجی در ادیان توحیدی به‌ویژه اسلام، تاریخچه‌ایی مختصر از مدعیان دروغین مهدویت بیان می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، انتظار، منجی، مدعیان دروغین.

## مقدمه

آرزوی ظهور یک مصلح، در همه مذاهب، امری مشترک و از اصول مسلم اعتقادی ادیان به شمار می‌رود. انتظار موعود، نه تنها در ادیان زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام وجود دارد، بلکه در کتب یونان قدیم، افسانه‌های میترا، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتی در مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز می‌توان یافت.

انتظار موعود، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان و از جمله دین یهود، از اهمیت خاصی برخوردار است. آرزوی ظهور یک مصلح بزرگ جهانی، در همه مذاهب مشترک بوده و از اصول مسلم اعتقادی این ادیان به شمار می‌رود.

اعتقاد شیعیان همواره براین اساس استوار بوده است که منجی موعود ادیان و امام دوازدهم شیعیان، ملقب به «قائم آل محمد (ص)»، «بقية الله الاعظم» و صاحب العصر و الزمان (عج) همان فرزند بلافضل حضرت امام حسن عسگری و نرجس خاتون است که در شب نیمه شعبان ۲۵۵ ق در سامرای عراق به دنیا آمده است و اصحاب امام حسن عسگری(ع) کرارا او را در کودکی دیده‌اند، و در این مطلب جای هیچ شک و شبھه‌ایی وجود ندارد، علاوه بر اینکه در نصوص دینی از پیامبر (ص) و ائمه اطهار(ع) به صراحة سخن به میان آمده است.

## ۱- انتظار منجی مشترک بین ادیان

انتظار منجی، علاوه بر این که از تعالیم دینی کتب آسمانی، مانند تورات، انجلیل و قرآن کریم به حساب می‌آید، از اموری است که به سرنوشت بشریت و تکامل انسان هم ارتباط دارد. به عبارت دیگر، وقتی انسان ناامید می‌شود و می‌بیند که با وجود این همه ترقی و پیشرفت‌های فکری و علمی، روز به روز به فساد و تباہی بیشتری کشیده می‌شود و اختراعات و اکتشافات حیرت‌آور، نتوانسته انسان را از سردرگمی نجات دهد، بنا به فطرت ذاتی خود، متوجه درگاه خداوند بزرگ می‌شود و از او برای رفع ظلم، ستم و بحران‌های روحی و معنوی کمک می‌جوید.

از این رو، در همه قرون و اعصار، آرزوی موعود جهانی، در دلهای خداپرستان وجود داشته است و این آرزو، نه تنها در میان پیروان مذهب‌های بزرگ مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه‌های یونانی، افسانه‌های میترا در ایران، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز می‌توان یافت.<sup>۱</sup>

پیروان ادیان معتقد‌ند که در یک عصر تاریک و بحرانی که جهان را فساد، بیدادگری و بی‌دینی فرا گرفته، نجات دهنده‌ای بزرگ طلوع می‌کند و به واسطه نیروی فوق العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد.

البته هر ملتی او را با لقبی مخصوص می‌شناسد؛ زرتشتیان او را به نام سوشیانس؛ یعنی نجات دهنده جهان، عیسیویان به نام مسیح موعود، یهودیان به نام سرور میکائیلی و مسلمانان به نام مهدی موعود می‌شناسند.

هر ملتی نیز آن موعود نجات بخش را از خودش می‌داند؛ مثلاً زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می‌دانند، عیسیویان او را هم کیش خودشان می‌شمنند، یهودیان او را بنی اسرائیلی و از پیروان موسی می‌شمنند و مسلمانان او را از دودمان بنی هاشم و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شمارند، که البته اسلام، به‌طور کامل و مشخص، این شخصیت جهانی و موعود کل را معرفی نموده اما در سایر ادیان چنین نیست.

۱- ر.ک.: محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)، مترجم: علی دوانی، ۱۳۳۹، ص ۱۷۸.

عشق به صلح و عدالت، در درون هر کسی وجود دارد. همه از صلح و عدالت لذت می‌برند و با تمام وجود، خواهان جهانی سرشار از صلح و عدالتند و بر همین اساس، همه اقوام و ملل، متظر مصلح کل هستند.

بررسی دیدگاه ادیان آسمانی و بلکه همه مذاهب در مورد موعد و مصلح جهانی، بسیار قابل توجه است اما محققان کمتر به این مهم توجه کرده‌اند. وقتی بشریت به این مهم توجه پیدا نماید که عقیده به ظهور یک نجات دهنده فوق العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است که از مصادر وحی سرچشمہ گرفته و همه پیامبران بدان بشارت داده و همه ملل در انتظار او هستند، در این صورت، مسلمانان بویژه شیعیان، به خیال‌بافی، عقاید خرافی و نظایر آن متهم نمی‌گردند.

## ۱-۱- انتظار مسیحا در آیین یهود

شور و التهاب انتظار موعد آخر الزمان در تاریخ پر فراز و نشیب یهودیت و مسیحیت موج می‌زند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت‌بار خود هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی «مسیحا» بیاید و آنان را از گرداد ذلت و درد و رنج رهانده، فرمانروای جهان گرداند.

در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست، بر پای خاسته و با اشغال فلسطین، در صدد برآمده‌اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعد کاسته نشده است. درست است که اقلیتی ناچیز از یهودیان، بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده‌اند، ولی سواد اعظم یهودیت، آن را از جان و دل پذیرفته و آن را رهگشای عصر مسیحا دانسته‌اند.

هم اکنون صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای مرسوم، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه ایار عبری)، پس از دمیدن در شیپور عبادت، اینگونه دعا می‌کنند:

«اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفح صور مسیحا، گوش ما را نوازش دهد».<sup>۲</sup>

در تعالیم تلمود راجع به نشانه‌های ظهور مصلح یهود، چنین آمده است:  
«بر هر یهودی واجب است که کوشش کند تا حکومت دنیا را به دست بگیرد و بقیه امم، با کمال خواری و ذلت قرار بگیرند و قبل از سلطه نهایی، باید جنگی به پا شود و دو ثلث عالم از بین

۲ - جولیوس گرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، توفیقی، حسین، مترجم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷، ص ۶۵.

برود و یهود، هفت سال باقی می‌ماند و سلاح‌هایی را که به دست آورده‌اند، می‌سوزاند و در این هنگام، دندانهای دشمنان بنی اسرائیل به اندازه بیست و دو ذراع شده و از دهن‌ها بیرون آمده است. زندگی یهود در این دوره، در جنگ با سایر امم است و بزودی مسیح حقیقی می‌آید و شخص متظر، به پیروزی می‌رسد و امت یهود، به اوج سرمایه‌داری و ثروت می‌رسد؛ چون که مالک تمام املاک دنیا می‌شود؛ به طوری که برای حمل کلیدهای گنجهای آنان، حداقل سیصد الاغ لازم است.<sup>۳</sup>

## ۱-۲- انتظار موعود در آیین مسیحیت

آیین مسیحیت نیز به آینده‌ی جهان و انسان، نگاه خوش‌بینانه داشته، ظهور موعودی را که همان عیسی مسیح<sup>(ع)</sup> باشد، نوید داده است، ظهور دوم<sup>۴</sup> یا بازگشت دوباره‌ی حضرت عیسی مسیح<sup>(ع)</sup> برای نجات جهانیان و ایجاد یک دنیای پرشکوه، از اعتقادات جدی مسیحیان است. ازین‌رو، اگر درباره‌ی سرانجام کار حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> پس از ظهور نخست و اعلام رسالت و تبلیغ دینش میان مسلمان و مسیحیان اختلاف نظر وجود دارد، در اصل در ظهور دوم آن حضرت اتفاق نظر دارند.

بر این اساس، عیسی<sup>(ع)</sup> دوباره‌ی ظهور خواهد کرد و به تصریح عبارات عهد جدید(یا انجیل چهارگانه و برخی متون فرعی وابسته به آن)، با حاکمان ستمکار خواهد جنگید و پس از نابود کردن آنها بشر را به ساحل نجات و رستگاری رسانیده و به زندگی آرمانی‌اش جامه عمل خواهد پوشانید. به همین دلیل، مسیحیان متظر ظهورش باید آماده باشند و زمینه‌های ظهور آن حضرت را فراهم کنند.

در انجیل لوقا در این زمینه چنین آمده است: کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند. پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.<sup>۵</sup>

ظهور دوم حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> با پیدایش یک سلسله حوادث طبیعی زمینی، آسمانی، سیاسی و اجتماعی همراه خواهد بود. پسر انسان هنگامی می‌آید که بشریت با مشکلات و مصایب فراوان دست به گریبان است: و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش، و دلهای مردم ضعف خواهد

<sup>۳</sup> - فرشی، باقر شریف، زندگانی خاتم الاوصیاء امام مهدی<sup>(عج)</sup>، اسلامی، ابوالفضل، مترجم، نشر فقاوت، قم، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱-۲۴۲.  
<sup>۴</sup> - (Second coming).

<sup>۵</sup> - عهد جدید، ترجمه جدید، خاچیکی، سارو، مصحح بی‌نا، بی‌تا، لوقا، باب ۱۲، بندهای ۳۶-۳۵ و ۴۰-۴۱ به نقل از ابراهیم زاده آملی، عبدالله، موعود در ادیان، مجله حضون، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲، ص ۸۲.

کرد از خوف و انتظار آن و قایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود؛ زیرا قوّات آسمان متزلزل خواهد شد و آن‌گاه پسر انسان را خواهند دید که برابری سوار شده با قوّت و جلال عظیم می‌آید.<sup>۶</sup>

در جای دیگر که از عیسی(ع) به «کلمه خدا» یاد شده، آمده است: و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید و چشمانش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ‌کس آن را نمی‌داند و جامه‌ی خون‌آلود دربر دارد و نام او را «کلمه خدا» می‌خوانند و لشکرهایی که در آسمان‌اند بر اسبهای سفید و به کتان سفید و پاک ملّبّس از عقب او می‌آیند از دهانش شمشیری نیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزنند و آنها را به عصای آهینه حکمرانی خواهد نمود.<sup>۷</sup>

آنچه در این قسمت آورده شد. با روایات اسلامی درباره‌ی «موعد آخر الزمان» هماهنگی دارد. به نظر می‌رسد سوار امین و حق، همان حضرت «مهدی موعود(عج)» در منابع اسلامی است که در آخر الزمان ظهر کرده و بر جهانیان به عدل داوری خواهد نمود.

### ۱-۳- انتظار موعود در اسلام

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین از ادیان آسمانی، به مسئله «مهدی موعود» بیش از سایر ادیان اهمیت داده و در تبیین مسائل مربوط به آن اهتمام خاصی ورزیده است. بر اساس جایگاه مهم مهدی موعود در اسلام است که همه‌ی مسلمانان از هر گروه و فرقه‌ای بر این مسئله اتفاق دارند که در آخر الزمان حضرت مهدی(عج) خروج می‌کند.<sup>۸</sup>

علاوه بر این آیات فراوانی که بر مسئله مهدویت در اسلام و ظهر حضرت مهدی(ع) دلالت می‌کند،<sup>۹</sup> روایات شیعه و سنّی نیز در این زمینه، بسیار زیاد و به حد تواتر رسیده است، به طوری که کسی نمی‌تواند درباره‌ی درستی آنها تردید به خود راه دهد.

۶ - همان، باب ۲۱، بندۀای ۲۵-۲۸.

۷ - عهد جدید، انجیل مکافنه‌ی یوحناً رسول، باب ۱۹، بندۀای ۱۱-۱۷ به نقل از ابراهیم زاده آملی، عبدالله، موعود در ادیان، مجله حضون، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۱۲، ص ۸۳.

۸ - البته در خصوصیات مسئله اختلاف نظر دارند؛ چون عده‌ای از اهل سنت بر این باورند که آن حضرت مهدی(عج) در آخر الزمان متولد می‌شود. در برابر، گروه دیگری از اهل سنت و همه شیعیان به اتفاق معتقدند که آن حضرت متولد شده و نام مبارکش «محمد بن الحسن العسكري(ع)» است. (امین، محسن، اعیان الشیعه، دارالتعارف، امین، حسن، مصحح، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹).

۹ - از جمله آیات قرآن مورد استدلال بر مسئله مهدی موعود، آیات ۱۰۵ سوره انبیاء<sup>۹</sup> سوره صف ۵۵ سوره نور و ۵۴ سوره مائدہ است. (برای آگاهی از چگونگی استدلال به این‌گونه آیات به تفاسیر شیعه و جلد سیزدهم بحار الانوار، مرحوم مجلسی و طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن ، جماعت‌المردّسین بقم المشرفة، مؤسسه النشر اسلامی، ج ۵، بی‌تا، ص ۴۲۸ رجوع شود).

## ۱-۳-۱- مهدی موعود نزد اهل سنت

در کتابهای اهل سنت و جماعت آنقدر روایات درباره‌ی مهدی موعود(ع) وجود دارد که عقیده به آن حضرت از ضروریات دینی مذهبی آنان به شمار آمده است.

به عنوان مثال درباره‌ی اصل موضوع ظهور مصلح جهانی و حضرت مهدی(ع)<sup>۶۵۷</sup> حدیث در کتب آنان از قبیل: صحیح بخاری، سنن ابن ماجه، سنن ابن داود، سنن ترمذی، منتخب کنز العمال، مسند احمد بن حنبل، ینابیع المودة، الصواعق المحرقة و غیر آن نقل شده است.<sup>۱۰</sup> کتابهای که درباره‌ی حضرت مهدی(ع) نوشته‌اند و یا روایات مربوط به او را جمع آوری کرده‌اند، فزون از شمار است.<sup>۱۱</sup>

به رغم این که اهل سنت به اصل امامت- مانند شیعه- اعتقاد ندارند، ولی به خاطر زیادی روایات معتبر مربوط به ظهور حضرت مهدی(ع) و توادر آنها، اعتقاد به ظهور مهدی نامی از نسل فاطمه(س) از اعتقادات ضروری اهل سنت به شمار آمده است و لذا انکار مهدی موعود را موجب خروج از دین می‌دانند.<sup>۱۲</sup>

## ۱-۳-۲- مهدی موعود نزد شیعیان

اندیشه مهدویت و مسئله مهدی در مذهب تشیع به دو دلیل از جایگاه برتر و حساسیت بیشتری برخوردار است: یکی به دلیل اصالت مسئله امامت و جایگاه اعتقادی آن، چرا که در فرهنگ اعتقادی شیعه، امامت تداوم رسالت است. و دوم این‌که طرح مسئله مهدویت در شیعه از صراحة، شفافیت و جامعیت بسیار بیشتری برخوردار است؛ به طوری که همه ابعاد آن و زوایای

۱۰ - لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عليه السلام، ناشر: الصدر، طبع سوم، تهران، ۱۳۳۳، ص ۱۸۷.

۱۱ - در کتاب منتخب الاثر، بیش از ۶۰ کتاب معتبر اهل سنت را، که به این موضوع پرداخته‌اند نام می‌برد، که برخی از عالمان مشهور و بلندآوازه و نیز اکابر اهل سنت، مؤلفان آنان‌اند. نظیر: احمد ابن داود، ابن ماجه، ترمذی، بخاری، مسلم، نسائی، بیهقی، ماوردی، طبرانی، سمعانی، ابن عساکر، کسانی، ابن اثیر، حاکم، ابن جوزی، شارح معتزلی، ابن صباغ مالکی، ابن مغازلی، شافعی، محب الدین طبری، شیلنجی و... علاوه بر کتب مذکور می‌توان به کتب ذیل نیز مراجعه کرد: الامام المهدي عند اهل السنة، المهدى الموعود المتظر عند علماء اهل السنة و الامامية، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، دانشنمندان عامة و مهدی موعود (در کتاب اخیر نام ۱۲۰ تن از علمای اهل سنت که به مسئله مهدویت پرداخته‌اند به ترتیب زمانی شان آمده است).

۱۲ - برای تحقیق بیشتر ر.ک: کتاب «نیل الاوطار» از قاضی شوکانی، کتاب «عقیده» از سفارینی، کتاب «مناقب الشافعی» از محمد بن حسین آبری، کتاب «المهدی الموعود المتظر عليه السلام عند علماء اهل السنة و الامامية» نجم الدین جعفر العسكري، کتاب «منهج السنۃ النبویہ» از ابن تیمیه.

شخصیتی حضرت مهدی(ع) و چگونگی ظهور و تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام توسط آن حضرت به خوبی روشن شده و هیچ‌گونه ابهامی در آن وجود ندارد. به بیان دیگر، مسئله مهدی موعود در مذهب تشیع مضاف بر آنچه در دیگر ادیان و مذاهب معمولاً به ذکر کلیات بسته کرده‌اند، جزئیات آن را نیز بیان و تعیین مصدق کرده، مصدق آن را نیز به صورت مستدل و قابل قبولی ارائه کرده است.<sup>۱۳</sup>

## ۲- مهدویت و انتظار منجی

خداوند متعال با ارسال رسول و انبیاء برای هدایت مردم بندگان خود را مشمول الطاف بی پایان خود قرارداده است، و انبیاء از حضرت آدم تا حضرت عیسی (ع) را مقدمه‌ایی قرار داد تا پیامبر عظیم الشأن (ص) که خاتم النبیین<sup>۱۴</sup> (ص) بود پا به عرصه وجود گذاشته و کامل‌ترین دین، یعنی اسلام عزیز را به بشر که ظرفیت ادراک آن را یافته است عرضه کند.

خداوند برای به اکمال رساندن الطافش بشر را از نعمت امامت برخوردار کرد تا بشر با تمسک به اهل بیت (ع) از مسیر انبیاء منحرف نگردد و بتواند به نهایت درجه کمال نائل آید. آخرین امام شیعیان حضرت مهدی (ع) به دلائلی از نظرها غائب شدند و تا امروز در پرده غیبت به سر می‌برند، حضرت مهدی (ع) پس از مرگ پدر، ابتدا یک دوره «غیبت صغراً»<sup>۱۵</sup> هفتاد و چند ساله را گذرانده است که طی آن مدت، چهار تن از بزرگان وارسته شیعه (به اسمی: ابو عمر و عثمان بن سعید عمری، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، و ابوالحسن علی بن محمد سمری)<sup>۱۶</sup> را متناوب به ترتیب ذکر شده، به عنوان «نواب

۱۳ - درباره مسئله مهدویت در مذهب تشیع و بلکه اسلام در طول تاریخ غیبت امام زمان(ع) تاکنون هزارن کتاب روایی، تاریخی، رجالی و... به زبانهای فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی و غیر آن نوشته شده است. از جمله آنها می‌توان به نام برخی از آنها در اینجا اشاره کرد: کتاب الغیه، شیخ طوسی؛ نجم الثاقب یا زندگانی حضرت مهدی(ع)، میرزا حسین نوری؛ مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، جلد سیزدهم رحلی قدیم و مجلدات ۵۱، ۵۲ و ۵۳ چاپ جدید؛ الامام المهدی من المهد الى الظهور، سید کاظم قزوینی، منتخب الائمه فی الامام الثاني عشر کتاب امامت و مهدویت از آیة الله لطف الله صافی گلپایگانی؛ یوم الخلاص یا روزگار رهایی از کامل سلیمان؛ دو کتاب ما قبل الظهور و ما بعد الظهور از محمد صدر، خورشید مغرب از محمد رضا حکیمی.

۱۴ - مَّا كَانَ مُّحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّنَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (احزاب-۴۰) (محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر هر چیزی داناست)

۱۵ - محمد بن محمد مفید، الارشاد، ناشر: الاعلمی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۴۰، ۳۸۳؛ محمد بن حسن طوسی، امالی الشیخ الطوسی کتاب الغیبه، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۹، ۱۴۹؛ محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الكافی، المکتبه الاسلامیه، حسن زاده آملی، حسن، غفاری، علی اکبر، مصحح، ۱۲۸۸هـ.ق، ج ۱، ص ۳۴۱.

۱۶ - احمد صدر حاج سید جوادی، دائرة المعارف تشیع، مؤسسۀ دائرة المعارف تشیع، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۷۴.

خاص» خویش برگزیده و از طریق آنان ، به حل مشکلات علمی و اجتماعی شیعیان پرداخته است. سپس، در اوایل قرن چهارم هجری، دوران «غیبت کبرای»<sup>۱۷</sup> آن حضرت شروع شده که هنوز هم ادامه دارد.

در قرآن و روایات<sup>۱۸</sup> متواتر فراوانی و عده ظهور حضرت مهدی(ع) داده شده است، لازم به ذکر است که وقت ظهور آن حضرت معلوم نیست، و حتی مطابق روایات کسانی که وقت ظهور را تعیین کنند، دروغگو شمرده شده اند.<sup>۱۹</sup> ولی کلیدها و فاکتورهایی به شیعیان داده شده تا بتوانند آن حضرت را بشناسند.

### ۳- نشانه های منجی حقیقی<sup>۲۰</sup>

۱. در کتب آسمانی که حتی تحریف شده‌اند، خصوصیاتی برای قیام آن حضرت بیان شده است. در عهد قدیم در سفر پیدایش و سفر حیوق نبی و سفردانیال نبی و سفر اشیاء نبی و زبور داود؛ و در عهد جدید در انجیل لوقا و متی و مرقس و مکافیه یوحنا.<sup>۲۱</sup>

۱۷ - محمد بن علی ابن‌بابویه، *كمال الدين و تمام التعميم*، غفاری، علی‌اکبر، مصحح، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر نشر اسلامی ۱۳۶۳، ص ۶۳۵.

۱۸ - در اینجا به قسمی از آیاتی که اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام در روایات آنها را به ظهور قائم آل محمد (ع) تاویل بردند اشاره می‌کنیم.

یکم: اقتربت الساعه (القمر ۱) روایت شده که مقصود ساعت قیام آل محمد صلی الله علیه و آله است. دوم: مدهماتان (سوره: الرحمن، آیه ۶۴) یونس بن ظیان از امام صادق علیه السلام روایت نموده که در تفسیر این آیه فرمود: در دولت امام زمان علیه السلام راه میان مکه علیه السلام راه میان مکه و مدینه با درخت خرما اتصال یابد. سوم: *الذین يؤمنون بالغيب*(بقره ۳)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اقرار به ظهور امام زمان علیه السلام کند ایمان به غیب آورده است. چهارم: *لعل الساعه قریب*(شوری ۱۷)؛ مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که منظور وقت ظهور قائم علیه السلام است. پنجم: *وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخِفَّفُوهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَمْكَثُنَ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيَبْلُوَهُمْ مَنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْلَمُونَ تَبَيَّنَ لَهُمْ شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ* (۵۵ نور)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، و عده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیشتر را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند. ششم: *وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الرِّبْعِوْرِ مِنْ بَعْدِ الذَّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادُ الْصَّالِحِينَ* (انبیا ۱۰)؛ و حقاً که ما در هر کتاب آسمانی پس از لوح محفوظ، و در زبور (داود) پس از ذکر (تورات موسی) و در قرآن پس از آن کتاب‌ها، نوشته‌یم و مقرر کردیم که همانا (ملکیت و حاکمیت و استفاده تام از برکات) این زمین را بندگان صالح و شایسته من به ارث خواهند برد (از دست غاصبان و ائمه جور به امامان عدل و خلفای آنها منتقل خواهد شد).

۱۹ - محمدباقر بن محمدنقی مجلسی، *بحار الانوار*، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۵۲، ص ۱۰۱ تا ۱۲۲؛ محمد بن الحسن الحر العاملی، *اثبات الهداء بالنوصوص والمعجزات*، نسخه خطی یا چاپی قدیمی، بی‌نا، بی‌تا، ج ۷، ص ۸۶.

۲۰ - برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمد بن سعد ابن سعد، *الطبقات الکبری*، داربیروت، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۹۲.

۲. نام و کنیه و نسب مبارک آن حضرت و همچنین نام پدر و مادر و اجداد آن حضرت  
کاملاً مشخص است.<sup>۲۲</sup>

۳. سال تولد آن حضرت ۲۵۵ ه.ق و مکان تولدش سامرای باشد.<sup>۲۳</sup>

۴. ویژگی‌های جسمی و چهره او در روایات آمده است.

۵. علائم ظهور حتمی او آمده است: یکم. صیحه‌آسمانی، دوم. خروج سفیانی، سوم. قیام  
سید یمانی، چهارم. کشته شدن نفس زکیه بین رکن و مقام، پنجم. فرو رفتن لشکر سفیانی در  
سرزمین بیدا (بین مکه مدینه).<sup>۲۴</sup>

۶. محل ظهور آن حضرت شهر مکه و کنار خانه خداست.

۷. حضرت مهدی صاحب معجزات تمام انبیاست.

۸. تمام حکومتها و ادیان از بین رفته و حکومت واحد جهانی با دین واحد عالمگیر  
ایجاد می‌شود.

۹. هیچ فقیری باقی نمی‌ماند و جهان پر از ظلم را آکنده از عدل و داد می‌کند. «یملأ  
الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».<sup>۲۵</sup>

۲۱ - ر.ک: صادقی، محمد، بشارات عهدين در آنچه پیغمبران الهی راجع به پیغمبر اسلام(ص) پیشگوئی کرده‌اند، ناشر: دارالکتب  
الاسلامیة، ۱۳۶۲.

۲۲ - لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیہ السلام، ص ۱۳۱. (در این اثر شریف ۵۴ حدیث در این رابطه نقل  
شده است).

۲۳ - همان.

۲۴ - عنوان علائم ظهور در روایات آمده است که مربوط به مدت اندکی قبل از ظهور و آستانه و آغاز ظهور است، این نشانه‌ها بسیار  
زیادند که معروفترین و جامعترین آنها این است که هرج و مرج در همه چیز دنیا مشهود می‌گردد. سراسر جهان پر از ظلم و جور و فساد  
گردد. (امین، محسن، شرح وصال: ترجمه المجالس السنیه فی مذاقب و مصائب العترة النبویه ، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و  
نشر بین‌الملل، جباران، محمدرضا، مترجم، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۳۹۸؛ رخدادهایی که براساس پیش‌بینی معصومین (ع) در آستانه ظهور  
موعد (ع) پدید خواهند آمد، نشانه‌های ظهورند و اگر چه زمان ظهور بر هیچ کس روشن نیست اما، تحقق این نشانه‌ها نوبیدخش  
نزدیکی ظهور است؛ در روایات اسلامی نشانه‌های ظهور به دو دسته نشانه‌های غیر حتمی و نشانه‌های غیر حتمی تقسیم شده‌اند. علام  
حتمی ظهور آنهایی هستند که تحقیقشان بدون هیچ قید و شرطی الزامی است؛ اما علائم غیر حتمی، نشانه‌هایی هستند که ممکن است  
تغییر یابند و یا به کلی حذف شوند. اینجا به علائم حتمی ظهور اشاره می‌کنیم: ۱. صیحه آسمانی: یکی از حوادثی که در فاصله کمی از  
قیام مهدی منتظر (ع) رخ می‌دهد، ندایی است که از آسمان برخاسته و نام حضرت قائم را به گوش تمام جهانیان می‌رساند. شیخ طوسی،  
نعمانی و شیخ صدوق در کتابهای خود روایات زیادی را در این مورد نقل کرده‌اند. ۲. خروج سفیانی: سفیانی از نسل ابوسفیان است و در  
نهایت به دست حجت بن حسن شکست خورده و کشته می‌شود. ۳. خروج یمانی: خروج یمانی از یمن است که به پشتیانی از اهل بیت  
علیه سفیانی قیام می‌کند و مردم را به حق و عدل فرا می‌خواند. این سپاه در عراق با سپاهی که از خراسان آمده متعدد می‌شوند. ۴. کشته  
شدن نفس زکیه: کشتن شدن نفس زکیه در مسجدالحرام بین حجرالاسود و مقام ابراهیم است. ۵. فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیدا:  
فرو رفتن لشکری که سفیانی به عربستان فرستاده در بیانی به نام بیدا که بین مکه و مدینه واقع شده است.

۲۵ - این روایت متواتر است و به طرق مختلف وارد شده است، و در ۱۴۸ حدیث آمده است، ر.ک: صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب  
الاثر فی الامام الثانی عشر علیہ السلام، ناشر:الصدر، و مکتبه البوذرجمهری سال ۱۳۳۳.

## ۴- اشتباه در مصدق مهدی

با تمام این اوصاف و ویژگی‌ها که در مورد حضرت مهدی بیان شده و شک و تردید را از هر کس می‌زداید، اما از همان اوائل اسلام و در زمان خود ائمه مردم برخی به خط رفته و کسانی را مهدی پنداشتند، که حتی بعضی از آنها، خود مدعی چنین امری نبوده اند؛ که می‌توان به «محمد بن حنفیه»<sup>۲۶</sup> و «زید بن علی بن الحسین»<sup>۳۷</sup> اشاره کرد. همچنین «جارو دیه»، «محمد بن عبدالله» (نفس زکیه) و «واقفیه»، امام موسی کاظم (ع) و «اسماعیلیه»<sup>۲۸</sup> اسماعیل فرزند امام صادق (ع) را مهدی دانسته و خود را پیرو آنان می‌دانند.

---

۲۶ - محمد بن حنفیه از فرزندان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه السلام است که مادرش خوله حنفیه دختر جعفر بن قیس است و به همین جهت به محمد بن حنفیه مشهور شده است. در بعضی روایات نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علیه السلام را به میلاد محمد بشارت داده و نام و کنیه خود را به او عطا نمودند. (کنیه محمد، ابوالقاسم است) او از مردان بزرگ روزگار در علم، زهد، عبادت و شجاعت بود. او در زمان حکومت پدرش امیرالمؤمنین در جنگهای متعددی شرکت کرد و در جنگ جمل پرچمدار سپاه امام علی (ع) بود. فرقه کیسانیه او را امام می‌دانستند و او را مهدی آخرالزمان می‌خوانند و اعتقاد داشتند که محمد زنده است و در کوههای رضوی که در نزدیک مدینه است اقامت دارد تا هنگامی که خروج کند ولی این مذهب منقرض گشته و از بین رفته است. (قمی، شیخ عباس، متنهی الاما، ناشر: پیام عدالت، ۱۳۸۶، ج ۱ ص ۲۵۲ و امامی، محمد جعفر، پای سخنان پدر، ناشر: اسوه، چاپ اول، سال ۱۳۷۲ ص ۱۲۴).

۲۷ - زید از فرزندان والامقام امام سجاد علیه السلام بود. کنیه اش ابوالحسین و مادرش ام ولد بود. زید علیه حکومت بنی امیه قیام مسلحانه کرد، و برای امر به معروف و نهی از منکر و به انتقام خون امام حسین علیه السلام به پا خاست. او در ۴۲ سالگی به شهادت رسید. او را حلیف القرآن می‌گفتند، یعنی کسی که پیوسته مشغول تلاوت قرآن است. پس از حضرت زین العابدین علیه السلام، بسیاری از شیعیان به امامت او معتقد شدند، زیرا او علیه حکومت اموی قیام و مردم را دعوت به پیروی از کسی کرده بود که مورد رضایت آل محمد صلی الله علیه و آله باشد، و بسیاری از مردم گمان می‌کردند آن شخص، خود است، در حالی که منظور او برادرش، امام محمد باقر علیه السلام بود. پیروانش اورا قائم آل محمد دانسته و معتقد شدند او پس از مردن باز خواهد گشت؛ مذهب زیدیه آمیزه‌ای از تشیع با اندیشه‌های معتزلی و اندکی از مسلک حنفی است. اما نزدیک به ۹۰ درصد فقه زیدی با فقه تشیع دوازده‌امامی مشترک است. در دوران معاصر مهمترین سکونتگاه زیدیان کشور یمن است که حدود ۴۵٪ جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. ۲۵ درصد از جمعیت یمن را زیدیان تشکیل می‌دهند. (لغت‌نامه دهخدا، واژه زیدیه و امامی، محمد جعفر، پای سخنان پدر، ص ۱۲۴).

۲۸ - اسماعیلیه یا باطیه فرقه‌ای از شیعه امامیه است که معتقدان آن، محمد بن اسماعیل برادرزاده موسی کاظم را آخرین امام می‌دانستند. ظهور این فرقه اصلاً نتیجه اختلاف در امامت اسماعیل بن جعفر صادق با برادرش موسی بن جعفر بوده است. اسماعیلیان معتقدند که پس از مرگ جعفر صادق امامت به پسر بزرگتر وی می‌رسید؛ اما چون پسرش اسماعیل پیش از پدر درگذشته بود، امامت به محمد بن اسماعیل منتقل شد که سایع تمام است و دور هفت با او تمام می‌شود و پس از او امامت در خاندان وی باقی ماند. آنها در میان اهل سنت به «باطینیان» مشهورند و شیعه هفت امامی نیز نامیده می‌شوند. اسماعیلیه به دو فرقه مستعلوی و نزاری تقسیم می‌شوند.

## ۵- شیادی و بیوه‌گیری از عوام

یکی از انگیزه‌های پدید آمدن این دین سازان این بود که آنها تصوّر می‌کردند باید به دنبال هر دورهٔ ظلم و طغیان بی‌حد و مرز، را درم نجات بخشی بیاید و مردم را از یوغ ستم‌ها نجات بخشد، مثلاً مردم مسلمان از ظلم بنی امیه، سپس بنی عباس و ... به ستوه‌آمده بودند، و از مهدی موعود که در روایات به عنوان مصلح کل و منجی جهان بشریت یاد شده، تصویری عالی در ذهن داشتند، از این رو زمینه برای پذیرش مهدی موعود، فراهم بود، بر همین اساس رندان سودجود از این زمینه موجود، سوء استفاده کرده و به اغفال مردم پرداختند، و یا احياناً از روی نا‌آگاهی به قصد قربت دست به این کار می‌زدند به این امید که خود را از سایهٔ شوم و هولناک ظلم و ستم طاغوت‌ها، نجات دهند، ولی در تشخیص مهدی موعود حقیقی، خطأ می‌کردند. به هر روی بر اثر انگیزه‌های گوناگون، از اعتقاد و احساسات پاک مردم سوء استفاده کرده، و گروه‌هایی به دنبال مهدی‌های ساختگی پدیدار شدند. یکی از نمودهای ویژه این مطلب را می‌توان در پیدایش بهائیت مشاهده نمود، زیرا با نگاهی به تاریخ معاصر می‌توان دریافت که مردم از جنگ‌های سختی که در سال‌های پیش از ظهور جنبش باییه، بین ایران و روسیه‌ی تزاری وجود داشت و نیز بی‌کفایتی دولت‌های قاجار، خسته و افسرده شده بودند و به دنبال پناهگاهی معنوی می‌گشتند. لذا حالتی پیش آمده بود که همه در انتظار فرج امام زمان (عج) به سر می‌بردند تا ملت اسلام را از یوغ ظلم روسیه‌ی تزاری و چپاول‌های انگلیس و دولت حاکم نجات دهد، این زمینه‌ها و عوامل باعث شد که عده‌ای از مردم با شنیدن ادعاهای باب و پیروانش به آنان گرایش پیدا کنند و به جای پناهگاه صحیح، به پناهگاه کاذب روی آورند.<sup>۲۹</sup>

## ۶- مدعیان مهدویت

از زمان خود ائمه و بعد از آن در غیبت صغیری و کبرای حضرت ولی عصر (عج) در میان شیعیان، گروهی به کذب و افتراء، ادعای باییت و سفارت نمودند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. ابومحمد شریعی؛ شیخ طوسی(رحمت الله عليه) درباره «شریعی» می‌نویسد: نخستین کسی که به دروغ و افتراء، دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان(علیه السلام) کرد، شخصی معروف به «شریعی» بود. جماعتی از عالمان از ابومحمد تلعکبری از ابوعلی محمد بن همام نقل کرده‌اند: کنیه شریعی «ابومحمد» بود، تلعکبری می‌گفت: «گمان دارم نام وی حسن باشد».

. ۲۹ - محمد مهدی زعیم‌الدوله تبریزی، ترجمه مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بهاء، ص ۱۱۸-۱۱۹.

او از اصحاب امام هادی(علیه السلام) و امام حسن عسکری(علیه السلام) به شمار می‌آمد. او نخستین کسی است که مدعی مقامی شد که خداوند برای او قرار نداده بود و شایسته آن هم نبود. در این خصوص، بر خدا و حجت‌های پروردگار دروغ بست و چیزهایی به آنان نسبت داد که شایسته مقام والای آنان نبود و آن‌ها از آن به دور بودند؛ از این رو، شیعیان هم او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند و توقيعی از جانب ولی عصر(علیه السلام) درباره لعن و دوری از وی صادر شد.<sup>۳۰</sup>

۲. محمد بن نصیر نمیری، مؤسس فرقه‌ی «نصیریه» که پس از ابومحمد شریعی ادعای باییت نمود و از غلات است و حضرت حجت (ع) او را لعن فرمود، هنگام مرگ زبانش سنگین شد، به گونه‌ای که وقتی پیروانش از او پرسیدند باب بعد از تو کیست؟ او با لکنت گفت: احمد، پیروانش مقصود او را که غرض کدام احمد است، تفهمیدند و به سه فرقه تقسیم شدند: فرقه‌ای گفتند: مقصود او احمد فرزندش است و فرقه‌ی دوم گفتند: احمد بن موسی بن الفرات است و فرقه‌ی سوم به احمد بن ابیالحسین بن بشر گرویدند و هر سهی آنان ادعای باییت نمودند.<sup>۳۱</sup>

۳. حسین بن منصور حلاج، عارف مشهور، از مدعیان باییت؛ حسین بن منصور در سال ۲۴۴ هجری قمری در قریه طور از قرای بیضای فارس در خانواده‌ای تازه مسلمان دیده به جهان گشود.<sup>۳۲</sup>

به رغم سنی بودن حلاج و گرایشهای عرفانی او پس از انزوا و دوری از اهل تصوف سعی نمود تا در میان امامیه برای خود پیروانی جمع کند از این رو در میان شهرهای شیعه نشین می‌گشت و آنها را به نوعی تصوف مربوط به مهدویت دعوت می‌نمود و با ارسال نامه به بزرگان امامیه چون سهل بن اسماعیل نوبختی و ابوالحسن حسین بن علی بن بابویه خود را وکیل و نایب امام زمان (ع) معرفی می‌کرد و چنان وانمود می‌کرد که ظهور امام زمان نزدیک است و به زودی

۳۰ - محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۵۱، ص ۳۶۷، محمد بن حسن طوسی، امالی الشیخ الطوسي کتاب الغیبه، ص ۳۹۸.

۳۱ - ابوالقاسم خوبی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواۃ، چاپ سوم، مدینةالعلم آیةالله الخوئی، ۱۴۰۳هـ.ق، ج ۱۷، ص ۳۳۶-۳۳۸؛ سعد بن عبدالله اشعری می‌گوید: «محمد بن نصیر نمیری مدعی بود که پیغمبر است و امام هادی (ع) او را مبعوث کرده است و عقیده به تناسخ داشت؛ وی معتقد به خدایی امام هادی (ع) بود. ازدواج با محارم را جائز می‌دانست و عمل لواط را حلال کرده بود. نمیری این را موجب تواضع و فروتنی مفعول و لذت و کامرانی فاعل می‌دانست و می‌گفت: خدا هیچ یک از این‌ها را بر بندگانش حرام نکرده است. (غیبه طوسی، ص ۳۹۸؛ فرق الشیعه، ص ۱۰۳).

۳۲ - علی اصغر حلیبی، مبانی عرفان و تصوف و احوال عارفان، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۶، ص ۳۰۲.

از طالقان خراسان ظهور خواهد کرد.<sup>۳۳</sup> به همین جهت بزرگانی چون شیخ طوسی، ابن اثیر و ابن ندیم او را در زمرة مدعیان بایت قرار داده اند.<sup>۳۴</sup>

۴. ابوجعفر، محمد بن علی شلمغانی<sup>۳۵</sup> معروف به ابن ابی العزاقر از مدعیان بایت.

۵. ابوبکر، محمد بن احمد بن عثمان بغدادی، برادرزاده ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری سفیر دوم حضرت حجت (عج) از مدعیان بایت.<sup>۳۶</sup>

۶. احمد بن هلال کرخی (۱۸۰ - ۲۶۷ هـ.) از مدعیان بایت؛ درباره‌ی وی گفته‌اند: «کان غالیاً متهمًا في دينه... ورد فيه ذموم عن سيدنا أبی محمد العسكري».<sup>۳۷</sup>

۳۳- محمد بن احمد ابو ریحان بیرونی، آثار الباقیه، دانسرشت، اکبر، مترجم، چاپ اول، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۷۵.

۳۴- محمد بن حسن طوسی، امالی الشیخ الطوسي کتاب الغیبه، ص ۲۲۶. علی بن محمد ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، دارالحیاء التراث العربي، ۱۳۶۸، جلد ۸، ص ۱۲۶ - ۷؛ محمد بن اسحق ابن ندیم، الفهرست، امیر کبیر تجدید، محمدرضا، مترجم، ۱۳۶۶، ص ۲۸۴.

۳۵- ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی، معروف به «ابن ابی عزاقر»، معروف‌ترین آنان بود. وی از اهالی «شلمغان»، واقع در ناحیه «واسطه» در بخش جنوبی عراق بود و یکی از نویسنده‌گان و علمای مذهب شیعه در ایام غیبت صغیری به شمار می‌آمد و به خاطر نزدیکی به ابوالقاسم حسین بن روح نویختن، نایب سوم امام زمان(ع) و معرفی شلمغانی توسط وی در میان طایفه «بنی بسطام»، مقام والایی یافته بود. وی به خاطر مقبول و مشروع جلوه دادن افکار شیطانی خوش، هر چیزی را بیان می‌کرد، به حسین بن روح نویختن نسبت می‌داد و از قول وی منتشر می‌نمود و بدین جهت، اهالی بسطام و سایر پیروانش از او می‌پذیرفتند و جزء عقاید دینی خویش می‌پنداشتند. (محمد بن حسن طوسی، امالی الشیخ الطوسي کتاب الغیبه ص ۴۰۳؛ بحار الانوار [علامه مجلسی]، ج ۵۱، ص ۳۷۱) شلمغانی، به دروغ، ادعای نیابت امام زمان(ع) نمود و می‌گفت، که روح خدا در جسم او حلول کرد و خود را «روح القدس» می‌نامید. عبدالقاہر بن طاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، دارالمعرفه، رمضان، ابراهیم محمد، مصحح، ۱۴۱۷. ص ۲۶۴ هم چنین مدعی الوهیت شد و می‌گفت، که مردگان را زنده می‌کند و قائل به تناسخ ارواح و حلول آن ها شد. (ذهی، محمد بن احمد، العبر فی خبر من عبر، دارالفکر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴) شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نویختن، به عنوان نایب منصوص و منصوب امام زمان(ع)، در برابر انحرافات و کفرگویی‌های این مرتد مردم فربی، احساس مسئولیت سنگینی می‌نمود و بدین جهت در مقابل وی، عکس العمل نشان داد و پندارهای وی را باطل اعلام کرد و چون نتیجه‌ای از این نگرفت، کلاً وی را طرد و شیعیان را از پیروی و نزدیکی وی بر حذر داشت. تا این که توقيعی از تأحیه مقدسه بیرون آمد و با صراحت تمام، وی را مورد لعن و نفرین قرار داد. در این توقيع مقدس، امام زمان(ع) از شلمغانی، با این عبارت یاد کرد: المخدول الضال المضل، المعروف بالعزا قری لعنه الله... (محمد بن حسن طوسی، امالی الشیخ الطوسي کتاب الغیبه، ص ۳۷۳) از آن پس، حسین بن روح نویختی به تمام بزرگان، مبلغان و دانشمندان شیعه اعلام کرد، که از شلمغانی برائت بچویند و وی را مورد لعن و نفرین قرار دهن. راضی بالله [بیستمین خلیفه عباسی] که از ناخرسنده علماء و فقهاء شیعه و اهل سنت نسبت به افکار شرک آسود شلمغانی با خبر بود و از این جهت، تحت فشار آنان قرار داشت، دستور دستگیری و اعدام وی را صادر کرد.. شیخ طوسی(ره) این واقعه را در روز ۲۹ ذی‌قعده سال ۳۲۲ قمری ذکر کرد (العبر فی خبر من عبر، ج ۲، ص ۱۵؛ النبیه و الاشراف [مسعودی]، ص ۳۴۳) ولی برخی از مورخان، آن را در اول ذی قعده و برخی دیگر در دوم ذی قعده سال ۳۲۲ قمری بیان نموده اند.

۳۶- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۳۷۱ و خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواہ، مدینة العلم، آیة الله الخوئی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۱۷، ص ۵۳.

۳۷- خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواہ، ج ۱۷، ص ۲۹۷.

۳۸- ر.ک: اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواہ و ازاحة الاشتباہات عن الطرق و الاستناد، شرکت سهامی ۱۳۳۴. ق، ج ۱، ص ۷۴؛ مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۵۱، ص ۳۶۸؛ خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواہ، ج ۲، ص ۳۶۷.

۷. ابو محمد عبیدالله مهدی؛ او در نیمة دوم قرن سوم هجری شروع به دعوت نمود، در سال ۲۹۷ هجری با کمک یارانش به حکومت رسید. خود را امیر المؤمنین خواند و شهر «مهدیه» را در شمال آفریقا ساخت، وی پایه گذار حکومت «فاطمیین» در آفریقای شمالی است که تا اواخر قرن پنجم ادامه داشت و در سال ۳۴۴ هجری قمری وفات یافت.

۸. محمد بن عبدالله بن تومرت؛ اودر نیمة اوّل قرن ششم در آفریقا قیام نمود، مریدان او بنام «الموحّدین» مشهور شدند، او رسمًا خود را «مهدی موعود» می خواند و کتاب «تنقیح الموطأ» در اصلاح و تکمیل کتاب «موطأ مالک بن انس» نگاشت. او مردی بود که از هر وسیله برای پیشرفت خود استفاده می کرد، سرانجام به فرمانروائی مراکش و برخی نواحی شمال آفریقا رسید. جانشینانش حدود یک قرن بر شمال آفریقا و قسمتی از «اسپانیا» حکومت داشتند.

۹. مهدی کرد؛ یکی دیگر از مدّعیان مهدویّت است. در قرن ۱۱ زمان «سلطان محمد چهارم» پادشاه عثمانی، جوانی یهودی بنام اسحاق خود را منجی یهود خواند، عده‌ای از یهودیان اطرافش را گرفتند؛ در همین وقت پسر یکی از شیوخ کردستان خود را «مهدی اسلامی» خواند و چندین هزار کُرد را به دور خود جمع نمود.

به دستور سلطان عثمانی هر دو را گرفته به دربار فرستادند، آنها با دیدن عظمت دستگاه توبه کردند و از ندیمان او شدند.

۱۰. میرزا غلام احمد قادیانی؛ همچنین «میرزا غلام احمد قادیانی» که از اهالی «قادیان» بخشی از «ایالت پنجاب» هند است ادعای مهدویّت نمود، او در سال ۱۲۵۰ به دنیا آمد، پس از تحصیل در نزد استاد و مددّی خدمت در دستگاه انگلیسیها خود را «مجدّد اسلام در قرن ۱۴» نامید، (آن زمان هندوستان مستعمره انگلستان بود) کتاب «براہین احمدیه» را در آخرین سالهای قرن ۱۳ تألیف نمود، سپس خود را مهدی موعود و مسیح معهود خواند. وی حدود هشتاد کتاب و رساله نوشت. از جمله نوشته‌هایش «البشری»، «سرالخلافه»، «ازاله الأوهام» و «المواهب الفیوضات» را می توان نام برد.<sup>۳۹</sup>.

---

وی پیش از انحراف از شخصیت والایی برخوردار بود و عالمی بر جسته و عارفی متقدی محسوب می شد. احمد بن هلال، عصر امام رضا(ع) تا هفت سال از غیبت صغیر را درک کرده بود. شیخ طوسی در الفهرست می نویسد: «بیشتر کتب احادیث شیعه بوسیله او روایت شده است. او نیز مدّعیان وکالت بود و سفارت محمد بن عثمان را قبول نداشت و گفته بود: «من چیزی از امام درباره وی نشنیدم، اما درباره پدرش، عثمان شنیده ام اگر درباره او نیز یقین داشتم، اطاعت می کردم، گفتد غیر از تو کسان دیگری شنیده اند، گفت: انت و ماسمعتم» طوسی، الفهرست، به کوشش محمود رامیار، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱، ص ۵۰ ». سرانجام درباره احمد بن هلال نیز توقع لعن صادر شد و حسین بن روح نایب سوم آن را اعلام کرد.

۳۹ - عبدالله مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان (از ۳۵ هزار سال قبل تا اسلام و مذاهب و فرق در اسلام)، ناشر: سینا، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۴۲۰.

صاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، موسسه انتشارات فرانکلین ، تهران، ۱۳۵۶هـ، ج ۲، ص ۱۹۸۶.

از اصول فکریش که در کتاب «تربیاق القلوب» نوشته خودش آورده: «اطاعت کامل از حکومت انگلیس و منع مبارزه و جهاد مردم هند برای آزادی و استقلال است». او در سال ۱۳۲۶ هـ ق درگذشت و در قادیان به خاک سپرده شد.<sup>۴۰</sup>

۱۱. محمد بن احمد بن عبدالله سودانی؛ او در آغاز جوانی جزو دراویش بود، تظاهر به زهد و تقوی می‌کرد، ولی به عللی از میان دراویش به خواری و خفت رانده شد، همین برای او عقده و انگیزه داعیه مهدویت گردید. او در زمانی این ادعای سرداد که محیط آشفته و فشار حکام ستمگر انگلیسی و مصری مردم سودان را مستعد انقلاب کرده بود.<sup>۴۱</sup> او و مریدانش که «درویشان» نام داشتند تمام سودان را تصرف کردند و دولت «گلاستریون» را سخت به زحمت انداختند او که بساط مهدویت را گسترانده بود در اوج پیروزی، ناگهان از دنیا رفت، پس از او جانشینش از نیروی انگلیس شکست خورد و دوباره سودان به دست انگلیس افتاد.<sup>۴۲</sup>

در ادامه ما به اختصار از دیگر مدعیان مهدویت یاد می‌کنیم تا برای پژوهشگر سابقه اینگونه دعاوی بیشتر روشن گردد.

- ابودلف مجذون، محمد بن مظفر الكاتب ازدی، صاحب کتاب «اخبار الشعراء».<sup>۴۳</sup>  
- عبدالله بن میمون القداح در سال ۲۵۱ هـ. ق؛ یحیی بن ذکرولیه (ذکرولیه) در سال ۲۸۱ هـ. ق.

- محمد بن سعد شاعر کوفی متوفی سال ۵۴۰ هـ. ق؛ احمد بن حسین رازی متوفی سال ۶۷۰ هـ. ق.

- سید شرف الدین ابراهیم متوفی سال ۶۶۳ هـ. ق؛ از شیراز به خراسان رفته، مدتی در خراسان بود و هنگام برگشتن به شیراز داعیه خود را آشکار کرد.<sup>۴۴</sup>  
- حسین بن علی اصفهانی کاتب متوفی ۸۵۳ هـ. ق صاحب کتاب «ادب المرء».  
- علی بن محمد سجستانی بغدادی متوفی سال ۸۶۰ هـ. ق صاحب کتاب «ایقاظ».  
- محمد نوربخش، رئیس و مؤسس فرقه نوربخشیه (۷۹۵ - ۸۹۶ هـ. ق).

۴۰ - حسن ابراهیم حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ناشر: جاویدان، مترجم پاینده، ابوالقاسم، سال ۱۳۶۶.

۴۱ - محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، مهدی موعود: *ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار*، ناشر: وقف، مترجم دوانی، علی، سال ۱۳۳۹.

۴۲ - علیرضا رجالی تهرانی، صد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)، ناشر: نبوغ، سال ۱۳۷۵.

۴۳ - محمد بن علی اردبیلی، *جامع الرواۃ و ازاحة الاشتباہات عن الطرق و الاستناد*، ج ۲، ص ۲۰۲؛ ابوالقاسم خوئی، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواۃ*، ج ۱۷، ص ۲۹۶.

۴۴ - عبدالله بن فضل الله وصف الحضره، *تاریخ وصف الحضره*، حاجیان نژاد، علیرضا، مصحح و مقدمه‌نویس، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲؛ علیقلی بن فتحعلی اعتضادالسلطنه، *مدعیان نبوت (المتبین و طبقات المضلين)*، رضی، هاشم، مصحح، آسیا، ۱۳۴۳، ص ۲۵۶.

- سید محمد هندی متوفای سال ۹۸۷ هـ. ق؛ وی ادیب و شاعر بود و در مشهد می‌زیست.
- محمد بن فلاح مشعشع رئیس مشعشعین خوزستان.<sup>۴۵</sup>
- عباس فاطمی؛ در اواخر قرن هفتم می‌زیسته ادعای بایت خاصه و مهدویت نمود. وی دارای پیروانی بوده و دولتی تشکیل داد و شهر فاس را تصرف نمود و در پایان کار به مکر و حیله به قتل رسید و دولت وی منقرض گشت.<sup>۴۶</sup>
- درویش رضا قزوینی؛ متوفای ۱۰۴۱ هـ. ق مدعی بایت بود و در عصر شاه صفی صفوی خروج کرد. وی از طایفه‌ی مانلو است و در زی درویشان و قلندران به سیاحت پرداخت. سپس به مقام ریاست و رهبری رسید.<sup>۴۷</sup>
- شیخ مهدی مشهدی متوفای ۱۲۹۱ هـ. ق؛ سید علی مشهدی بازار که در زمان سلطنت سلطان سلیمان صفوی می‌زیسته است.
- محمد فاسی مغربی متوفای ۱۰۹۵ هـ. ق صاحب کتاب سبیل الاولیاء و همچنین میرزا محمد هروی؛ مدتی در هندوستان بود و تأثیف‌هایی دارد که نظم کلمات قصار حضرت امیر مؤمنان (ع) از آن جمله است. وی در زمان فتحعلی شاه قاجار پس از آن که مدعی بایت گردید، به قتل رسید.
- محمد بن عبدالله حسان المهدی، پس از تحصیل در علوم دینی به حج رفت و از مکه به صومال بازگشت و از مدعیان اصلاح بود و در سال ۱۸۹۹ میلادی خود را باب و سپس مهدی موعود اعلام نمود. وی مؤسس فرقه‌ی صالحیه است؛ و همچنین محمد احمد بن عبدالله سودانی (۱۸۴۳ - ۱۸۸۵ م) از خاندان سادات حسینی، پس از تکمیل علوم دینی به حج رفت و در بازگشت از مکه‌ی مکرمه خود را باب امام سپس مهدی موعود اعلام نمود و تمام قبایل کردنخان و دارخور و بحر الغزال و سودان شرقی با وی بیعت کردند او به جنگ با انگلیسی‌ها که سودان را تصرف کرده بودند پرداخت و خرطوم پایتخت سودان را فتح نمود و در ام درمان وفات یافت.<sup>۴۸</sup>

۴۵ - احمد کسری، تاریخ پانصد ساله خوزستان، بنگاه مطبوعاتی گوتبرگ، ۱۳۳۰، ص ۲۳؛ علیقلی بن فتحعلی اعتمادالسلطنه، مدعیان نبوت (المتبین و طبقات المضلين)، ص ۲۶۵-۲۷۱.

۴۶ - علیقلی بن فتحعلی اعتمادالسلطنه، مدعیان نبوت (المتبین و طبقات المضلين)، ص ۲۶۵.

۴۷ - همان ۲۷۶.

۴۸ - احمد صدر حاج سید جوادی، دائرة المعارف تشیع، مؤسسه دائرة المعارف تشیع، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۰۴.

## **نتیجه‌گیری**

از آنچه بیان شد اهمیت انتظار منجی روشن می‌گردد، زیرا از یک سو در همه ادیان توحیدی و حتی غیرتوحیدی بحث منجی مطرح شده است، و از سوی دیگر انتظار منجی نقش به-سزایی در تعالی و رشد جوامع بشری دارد و از آنجا که ممکن است انسان‌های شیاد باز هم از این مباحثت سوءاستفاده نمایند، بسیار حائز اهمیت است که با شناخت تاریخچه منجیان دروغین در اسلام و حتی قبل از اسلام بر معرفت و شناخت جویندگان حقیقت و انسان‌های دین‌دار بیفزاییم و در پی راهکارهایی در بازشناسی منجی حقیقی باشیم و با شناسایی ویژگی‌های منجی حقیقی، بشر را از پیمودن راه‌های انحرافی بر حذر بداریم.

## نمايه آثار

- ١- ابراهيم زاده آملی، عبدالله، «موعود در اديان»، مجله حصون، شماره ١٢ تابستان، ١٣٨٦.
- ٢- ابنالاثير، على بن محمد، **الكامل في التاريخ**، جلد٨، داراحياء التراث العربي، ١٣٦٨.
- ٣- ابنبابويه، محمد بن على، **كمال الدين و تمام النعمة**، غفاری، على اکبر، مصحح، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر نشر اسلامی ١٣٦٣.
- ٤- ابن سعد، محمد بن سعد، **طبقات الکبری**، ج ٥، داربیروت، ١٣٦٤.
- ٥- ابن نديم، محمد بن اسحق ، **الفهرست**، تجدد، محمدرضا، مترجم، امير کبیر، ١٣٦٦.
- ٦- ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواہ، ج ١٧، مدینةالعلم آیةالله الخوئی، چاپ سوم، ١٤٠٣ هـ.ق.
- ٧- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، **آثار الباقیه**، داناسرشت، اکبر، مترجم، اميرکبیر ، چاپ اول ، ١٣٦٣.
- ٨- اردیلی، محمد بن علی، **جامع الرواہ و ازاحة الاشتباہات عن الطرق و الاسناد**، شرکت سهامی، ١٣٣٤ هـ.ق.
- ٩- اعتضادالسلطنه، علیقلی بن فتحعلی، **مدعیان نبوت(المتنبین و طبقات المضلین)**، رضی، هاشم، مصحح، آسیا، ١٣٤٣ هـ.ق.
- ١٠- امامی، محمدجعفر، پای سخنان پدر، ناشر: اسوه ، چاپ اول، ١٣٧٢.
- ١١- امین، محسن، **اعیان الشیعه** ، امین، حسن، محقق، دار التعارف للمطبوعات، ١٣٦٥.
- ١٢- امین، محسن، **شرح وصال: ترجمه المجالس السنیه**، جباران، محمدرضا، مترجم، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ١٣٧٩.
- ١٣- الحر العاملی، محمد بن الحسن، **اثبات الهداء بالتصوص و المعجزات**، ج ٧، نسخه خطی یا چاپی قدیمی، بی نا، بی تا.
- ١٤- حسن، ابراهیم، **تاریخ سیاسی اسلام**، مترجم پاینده، ابوالقاسم، ناشر: جاویدان ، ١٣٦٦.

- ١٥- حلبي، على اصغر، مبانی عرفان و تصوف و احوال عارفان، تهران، انتشارات اساطير، ١٣٧٦.
- ١٦- دهخدا ، لغت نامه دهخدا.
- ١٧- ذهبي، محمد بن احمد، العبر فى خبر من عبر، ج ٢، دارالفکر، ١٤١٨.
- ١٨- رجالی تهرانی، عليضا، صد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، ناشر: نبوغ، ١٣٧٥.
- ١٩- زعيمالدوله تبريزی، محمد مهدی ، ترجمه مفتاح باب الابواب يا تاريخ باب و بهاء، مترجم فريد گلپايگاني، حسن ، ناشر: مؤسسه مطبوعاتي فراهانی، چاپ: تابان، ١٣٣٤.
- ٢٠- صادقی، محمد، بشارات عهدين در آنچه پیغمبران الهی راجع به پیغمبر اسلام(ص) پیشگوئی کرده‌اند، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٢.
- ٢١- صافی گلپايگاني، لطف الله، منتخب الاثر في الامام الثاني عشر عليه السلام، ناشر: الصدر، و مكتبه البوذرجمهری، ١٣٣٣.
- ٢٢- صدر حاج سيد جوادی، احمد، دائرة المعارف تشیع، ج ٢ و ٣، مؤسسه دائرة المعارف تشیع، ١٣٦٨.
- ٢٣- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ٥، جماعة المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر اسلامی، بی‌تا.
- ٢٤- طوسی، محمد بن حسن، الغیبیه، بیروت، انتشارات دار الكتب الاسلامیه، ١٤١٢.
- ٢٥- طوسی، محمد بن حسن، امالی الشیخ الطوسي کتاب الغیبیه، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ١٣٦٨.
- ٢٦- طوسی، محمد بن حسن، امالی الشیخ الطوسي کتاب الغیبیه، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ١٣٦٨.
- ٢٧- عهد جدید، ترجمه جدید، خاچیکی، سارو، مصحح، بی‌نا، بی‌تا، انجلیل مکاشفه‌ی یوحنای رسول.
- ٢٨- قرشی، باقر شریف، زندگانی خاتم الاوصیاء امام مهدی(عج)، اسلامی، ابوالفضل، مترجم، قم، نشر فقاہت، ١٣٨٤.
- ٢٩- قمی، شیخ عباس، متهی الاماں، ج ١، ناشر: پیام عدالت، ١٣٨٦.
- ٣٠- کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الكافی، حسن زاده آملی، حسن، غفاری، علی‌اکبر، مصحح، المکتبه الاسلامیه، ١٢٨٨ هـ.ق.

- ۳۱- گرینستون، جولیوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، توفیقی، حسین، مترجم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
- ۳۲- مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان از ۳۵ هزار سال قبل تا اسلام و مذاهب و فرق در اسلام، ناشر: حر، ۱۳۷۶.
- ۳۳- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۶۵ و ۶۷، الوفاء، ۱۳۶۲.
- ۳۴- —————، بحار الانوار، ج ۵۱، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۳۵- —————، بحار الانوار، ج ۵۲، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۳۶- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مهدی موعود: ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار، مترجم: دوانی، علی، ناشر: وقف، ۱۳۳۹.
- ۳۷- مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، ناشر: فرانکلین، ۱۳۵۶.
- ۳۸- مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ناشر: الاعلمی، ۱۳۹۹.
- ۳۹- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، مترجم، محمد جواد مشکور، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۴۰- وصف الحضره، عبداللهبن فضل الله، تاریخ وصف الحضره، حاجیان نژاد، علیرضا، مصحح و مقدمهنویس، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.